

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



انتخابات کم‌طرفدار و پرچالش عراق

انتخابات عراق از روز یکشنبه با رأی اعضای نیروهای امنیتی و آوارگان مستقر در اردوگاه‌ها شروع شد و انتخابات عمومی، [امروز] سه‌شنبه برگزار می‌شود. نتیجه انتخابات بر این اثر خواهد داشت که آیا نخست‌وزیر، محمدشیاع السودانی دور دوم نخست‌وزیری را هم خواهد داشت یا نه. نتیجه این انتخابات در میانه نگرانی‌ها از جنگی دیگر بین اسرائیل و ایران و حملات بالقوه از سوی اسرائیل یا ایالات متحده به گروه‌های مورد حمایت ایران در عراق خواهد رسید. بغداد به دنبال حفظ تعادلی ظریف در روابطش با تهران و واشنگتن است، در میانه فشار فزاینده دولت ترامپ بابت حضور گروه‌های مسلح مرتبط با ایران در عراق. دغدغه اصلی عراقی‌ها اکنون بیکاری و کندی خدمات عمومی است، شامل قطع مرتب برق، به‌رغم ثروت کشور در حوزه انرژی.

مشارکت در انتخابات، در دوره‌های اخیر مدام در حال کاهش بوده است. در آخرین انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۲۱، مشارکت ۴۱ درصد بود که رکوردی در دوران پس از صدام حسین است و کمتر از ۴۴ درصد مشارکت انتخابات ۲۰۱۸. تنها ۲۱/۴ میلیون نفر از کل ۳۲ میلیون نفرواجد شرایط رأی، کارت‌های رأی دریافت کرده‌اند. این میزان در انتخابات ۲۰۲۱، ۲۴ میلیون نفر بود. بر خلاف دوره‌های پیشین، هیچ پایگاه رأی‌گیری خارج از کشور برپا نخواهد بود. ۷ هزار و ۷۴۴ نامزد در رقابت هستند، اغلب از احزابی که تا حد زیادی با جریان‌های مذهبی هماهنگ هستند، به‌اضافه تعدادی نامزد مستقل.

این احزاب، شامل بلوک شیعه به رهبری نوری المالکی، نخست‌وزیر سابق و عمار حکیم چهره روحانی هستند. گروه‌های رقیب سنی را محمد الحلبوسی، رئیس سابق مجلس و محمود المشهدانی، رئیس فعلی رهبری می‌کنند و دو حزب اصلی کُرد، حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان هستند. چندین گروه شبه‌نظامی شیعه و قدرتمند مرتبط با ایران از طریق احزاب سیاسی مربوط در انتخابات شرکت دارند؛ اما یکی از بازیگران برجسته در سیاست کشور، در این انتخابات بیرون نشسته است. جنبش محبوب صدریست، به رهبری مقتدی صدر، روحانی بانفوذ شیعه، انتخابات را تحریم کرده است. بلوک صدر در انتخابات ۲۰۲۱ بیشترین کرسی را کسب کرد؛ اما پس از ناکامی مذاکرات برای تشکیل دولت و در میانه تقابلی با احزاب رقیب شیعه، کناره‌گیری کرد. او از آن زمان نظام سیاسی را پایکوت کرده است. در همین حال، برخی گروه‌های طرفدار اصلاح از اعتراضات گسترده ضد دولت سر برآورده‌اند؛ اعتراضاتی که در اکتبر ۲۰۱۹ آغاز شد. این گروه‌ها در حال شرکت در انتخابات‌اند اما اختلافات داخلی و فقدان بودجه و حمایت سیاست، دستوپای آن‌ها را بسته.

اتهامات گسترده‌ای درباره فساد و خرید رأی مطرح شده است. ۸۴۸ نامزد هم از سوی مقامات انتخابات رد صلاحیت شده‌اند. گاهی به دلایل مبهمی مثل توهین به آیین‌های مذهبی یا به اعضای نیروهای مسلح. انتخابات گذشته در عراق اغلب آلوده به خشونت سیاسی هم بوده‌اند. سطح کلی خشونت‌ها این دور کاهش یافته اما یک نامزد هم ترور شد؛ صفا المشهدانی، نامزد سنی، السودانی با حمایت گروهی از احزاب حامی ایران به قدرت رسید اما از آن زمان به دنبال برقراری تعادل در روابط بغداد با تهران و واشنگتن بوده است. او خود را در موضع عملگرایی قرار داده که بر بهبود خدمات عمومی تمرکز دارد. عراق در دوره اول سودانی، ثباتی نسبی شاهد بود؛ اما او راه آسانی برای رسیدن به دور دوم ندارد. از سال ۲۰۰۳، تنها یک نخست‌وزیر بیش از یک دوره داشته است، یعنی المالکی. نتیجه انتخابات لزوماً نشان نخواهد داد آیا سودانی می‌ماند یا نه. در چندین انتخابات در دوره‌های گذشته، بلوکی که بیشترین کرسی را کسب کرد، نتوانست نامزد ارجح خود را در این جایگاه بنشانند.

از یک طرف، سودانی با مخالفت‌هایی با برخی رهبران بلوک «چارچوب هماهنگی» شیعیان بر سر کنترل نهادهای دولتی مواجه است، یعنی با همان بلوکی که او را به قدرت رساند. از سوی دیگر، او با فشار فزاینده ایالات متحده برای کنترل شبه‌نظامیان در کشور روبه‌روست. یک مسئله اختلافی ویژه هم سرنوشت نیروهای حشد الشعبی بوده است. این گروه در عمل همچنان با خودمختاری قابل توجهی عمل می‌کند.



تحولات منطقه



عکس: خبرنگار مهر

آرزویی تقریباً ناممکن

تمایل قالیباف برای پیوستن به پیمان امنیتی عربستان و پاکستان چه منطق عملی دارد؟



روح‌اله نخعی

خبرنگار گروه دیپلماسی

گاهی بزرگی یک خبر، خود به کار صحت‌سنجی آن می‌آید. در سفر اخیر رئیس مجلس به پاکستان، خبری از یک پیشنهاد در حوزه روابط خارجی مطرح شد که اگر جدی باشد، می‌تواند در عرصه مسائل منطقه تکان‌دهنده باشد. رسانه‌ای پاکستانی به نام «جیو» در پی مصاحبه‌ای که با محمدباقر قالیباف داشت اعلام کرد، رئیس قوه مقننه ایران، از تمایل تهران برای پیوستن به پیمان دفاعی عربستان سعودی و پاکستان خبر داده است. به نوشته ایرنا، «قالیباف گفت که ایران را نیز می‌توانند به این معاهده اضافه کنند.» وی تأکید کرد: «کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی نیز همانند ناتو باید یک ارتش مشترک تأسیس کنند.» رئیس قوه مقننه ایران درباره اوضاع غزه نیز هشدار داد: «اعزام نیرو از سوی اعضای کشورهای سازمان همکاری اسلامی به غزه نباید منجر به تقویت تسلط رژیم صهیونیستی شود.» وی تأکید کرد: «بنابر این هر کشوری از جمله پاکستان اگر نیرو به غزه بفرستد هدف آن فقط و باید حفاظت از فلسطینیان و کمک به غزه باشد.» این البته اولین اظهارنظر این جنبی در باره پیمان دفاعی عربستان و پاکستان نیست. به نوشته انتخاب، «سرلشکر جیحی رحیم صفوی -فرمانده پیشین سپاه و مشاور عالی فرمانده کل قوا- با اشاره به انعقاد این پیمان دفاعی میان عربستان و پاکستان، تأکید کرد: این پیمان را مثبت ارزیابی می‌کنیم. پاکستان اعلام کرده کشورهای دیگر هم می‌توانند به این پیمان بپیوندند و پیشنهاد می‌کنم ایران هم به این پیمان بپیوندد.» خبر صحبت قالیباف در این باره، در رسانه‌های فارسی چرخید و البته در فضای رسانه‌ای انگلیسی‌زبان نیز، رسانه‌ای مثل المیادین که به ایران نزدیک است و نیز امواج‌مدیا که به همان نسبت تمرکز ویژه بر مسائل ایران دارد، آن را منتشر کردند؛ البته در این میان، محمدمدر تپیو، سفیر پاکستان در ایران، در مصاحبه‌ای با تابناک، پاسخی محتاطانه به سوالی درباره امکان پیوستن ایران به این پیمان داد: «این موضوع یک مسئله فنی است. به نظر من باید نشست و در این خصوص فکر کرد و راه‌هایی پیدا کرد. دولت‌ها باید در این خصوص بنشینند و صحبت کنند.» او همچنین در پاسخ به سوالی درباره امکان تحقق ایده «ناتوی اسلامی» نیز به همین شکل جواب داد: «پاکستان یک قدرت نظامی بسیار مهم و استراتژیک در منطقه است و کمک‌های زیادی به امنیت و ثبات منطقه‌ای کرده است. پاکستان در این زمینه در خاورمیانه ایفای نقش کرده است و خواستار پایان درگیری‌ها بوده است. وقتی ایران مورد حمله قرار گرفت، از حقوق ایران دفاع کردیم. پاکستان تلاش کرده تا بین کشورهای اسلامی ایجاد همکاری کند. هر اقدامی که به صلح و امنیت منطقه‌ای کمک کند و درگیری‌ها را کاهش دهد مورد استقبال پاکستان است.» به عبارتی در پاسخ به هر دو سؤال، سفیر پاکستان نه پاسخ مثبت و نه پاسخ منفی داد؛ اما

هیچ منطق و سابقه‌ای نمی‌تواند توجیه کند که در این مقطع، عربستان و پاکستان بخواهند چنین امتیازی به ایران بدهند که تعهدی دفاعی در قبال تهران برای خود بسازند. حتی از زاویه‌ای دیگر می‌توان ادعا کرد ایران هم چالش‌هایی جدی در ارائه چنین تعهدی در سازوکار سیاست خارجی و منطقه‌ای خود خواهد داشت که امضای توافقی این چنین را برای تهران نیز ناممکن می‌کند

ماجرای پیوستن ایران به چنین پیمانی یا تشکیل چنین ائتلافی، چقدر جدی است؟ یا به تعبیر بهتر به این سؤال می‌توان پرداخت که ماجرا چقدر امکان جدیت دارد؟ پیش از بررسی این موضوع، لازم است اصل پیمان دفاعی ریاض و اسلام‌آباد بررسی شود.

داستان توافق اسلام‌آباد و ریاض چیست؟

اصل ماجرا چیست؟ ۱۷ سپتامبر، ۲۶ شهریور سال جاری اعلام شد عربستان سعودی و پاکستان پیمان دفاع راهبردی متقابل امضا کرده‌اند، پیمانی امنیتی که طی آن دو طرف متعهد شده‌اند، هر گونه اقدام تهاجمی علیه یکدیگر را، اقدامی علیه خود در نظر بگیرند. این توافق در سفر شهپاز شریف، نخست‌وزیر پاکستان به ریاض و در دیدار او با محمد بن سلمان، ولیعهد و حاکم دوقانونی عربستان سعودی امضا شد. دو کشور، البته دهه‌هاست روابط عمیق اقتصادی، سیاسی، امنیتی و البته مذهبی با یکدیگر داشته‌اند، سابقه همکاری نظامی بین این دو به دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد. کمتر از دو دهه پس از استقلال پاکستان از قلمرو هندوستان در سال ۱۹۴۷، این کشور که اساساً بخشی از فلسفه تعیین قلمرو آن به دین اسلام برمی‌گشت، در میانه چالش‌های جنگ داخلی یمن و نگرانی عربستان سعودی از ورود مصر به این درگیری، سربازان خود را به جبهه‌های سعودی فرستاد. از آن زمان تا امروز، پاکستان به کار آموزش نیروهای نظامی سعودی نیز پرداخته است و چیزی بین ۸ تا ۱۰ هزار نیرو برای ریاض تربیت کرده است. در مقابل عربستان سعودی نیز در دهه ۱۹۷۰ به تأمین مالی برنامه هسته‌ای پاکستان پرداخته است. از سوی دیگر، زمانی که نواز شریف در طول دوران نخست‌وزیری ژنرال پرویز مشرف، از پاکستان بیرون رفت، عربستان به او پناه داد و به روایتی، ملک فهد مانع از صدور حکم اعدام برای او در پاکستان شد.

خودداری‌های پیشین پاکستان

البته در تمام این سال‌ها، پاکستان یک نگرانی مهم از رسمیت بخشیدن به چنین همکاری‌هایی در بُعد نظامی داشته است: ایران. بخش مهمی از ادراک تهدید عربستان سعودی در طول سال‌های اخیر به ایران مربوط بوده است و ایران نیز خود را در مقابل عربستان می‌دید. اسلام‌آباد نگران این بود که اگر به‌طور رسمی چنین معاهده‌ای با عربستان امضا کند، بین خود و ایران تنش ایجاد خواهد کرد، به‌عنوان کشوری همسایه که جمعیت عظیم شیعه آن نیز اتصالات مذهبی خود را به ایران دارند. به همین لحاظ بود که در سال ۲۰۱۵، نواز شریف که دوباره به قدرت بازگشته بود، درخواست ریاض برای پیوستن به ائتلاف علیه حوثی‌های یمن را نپذیرفت، چه‌آنکه آن جانبی، موضوع تقابلی بین عربستان و ایران بود و اسلام‌آباد حاضر نشد خطر این تقابل را قبول کند. در سال ۲۰۱۹، هند مفاد قانون اساسی‌اش مربوط به وضعیت ویژه کشمیر را لغو کرد تا آتش زیر خاکست تنش بر سر این قلمرو بین دهلی‌نو و اسلام‌آباد، دوباره داغ شود اما در مقابل خودداری پاکستان از ورود به جنگ یمن، ریاض درخواست حمایت سیاسی عمران‌خان،

نخست‌وزیر وقت پاکستان را بی‌پاسخ گذاشت. پرهیز اسلام‌آباد از تقابل جدی با تهران و البته پرهیز متقابل ایران از همین تقابل، در تنش‌های مرزی دو طرف نیز مشخص است. مرز مشترک دو کشور به لحاظ فعالیت گروه‌های شبه‌نظامی مرز ناامنی به حساب می‌آید و در آن ایران پاکستان را متهم می‌داند که به گروه‌های تروریستی ضدایران در خاک خود پناه داده است. پاکستان نیز، البته اتهام متقابلی را متوجه ایران می‌داند، هر چند میزان فعالیت‌های تروریستی در محدوده استان سیستان و بلوچستان ایران بسیار بیشتر و جدی‌تر بوده تا اتفاقات مشابه در بلوچستان پاکستان. این تنش‌ها در سال ۱۴۰۲ به‌دو خوردی هم منجر شد که در آن، ایران مواضع این گروه‌ها را در پاکستان هدف گرفت و پاکستان نیز به خاک ایران حمله‌ای کرد که آن را به عنوان مقابله با گروه‌های تروریستی ضد پاکستان در ایران توجیه کرد؛ اما دو کشور به سرعت تنش را متوقف کردند و روابط را به وضعیت عادی برگرداندند.

انگیزه‌های ریاض و اسلام‌آباد

نکته‌ای که در میان ادعای پیوستن ایران به این پیمان را تعجب‌آور می‌کند، در بخشی از فلسفه امضای این توافق از سوی عربستان است. عربستان سعودی، سال‌ها بوده که جدی‌ترین تهدید نظامی علیه خود را در تهران می‌دید. زمانی که ریاض در یمن درگیر بود، ایران از یمن حمایت می‌کرد و در همان روند، در سال ۲۰۱۹، به تأسیسات نفتی آرامکو حمله شد و برخلاف انتظار عربستان سعودی، آمریکا هیچ واکنشی علیه تهران نشان نداد. از سال‌ها پیش در تحلیل راهبرد دفاعی ایران اشاره می‌شود که اگر آمریکا ایران را هدف بگیرد، یکی از ابزارهای مقابله تهران، هدف گرفتن متحدان آمریکا در منطقه خواهد بود و عربستان در صدر این فهرست قرار دارد. در جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و ایران نیز، وقتی آمریکا وارد شد و تأسیسات هسته‌ای ایران را بمباران کرد، ایران پایگاهی از ایالات متحده را در قطر هدف گرفت. قطر البته بین دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس رابطه بهتری با ایران دارد اما به هر حال، این اقدام، نمودی از همان تحلیل قدیمی بود. ریاض البته در سال‌های اخیر، راهبرد خود را در قبال ایران تغییر داده و روند امن‌تری را با بهبود روابط در پیش گرفته است. یکی از انگیزه‌های ریاض در روند بهبود روابطی که البته با وساطت چین انجام شد، کاهش همین خطر ترکش‌های تقابل ایران و آمریکا بود؛ اما احتمالات نگران‌کننده همچنان حذف نشده‌اند.

در سمت مقابل نیز البته، درگیری تازه هند و پاکستان در کشور در ماه مه سال جاری میلادی، انگیزه اسلام‌آباد را افزایش داد؛ به‌خصوص که در این درگیری، هند سطح تنش را به سرعت بالا برد و پایگاه‌های هوایی پاکستان را هدف گرفت و در مقابل نیز پاکستان ناچار شد به سرعت آتش پس‌پیشنهادهی واشنگتن را بپذیرد. این سابقه، نگرانی مؤثری در ذهن پاکستانی‌هایی می‌گذارد که درگیری دوباره با هند، زمانی در آینده دور یا نزدیک را احتمالی بسیار قوی می‌بینند.